

شعر پروین، شعری زنانه یا مردانه؟

26 اسفند 1402

از دیرباز در دامان درازنای شعر و ادب پارسی، آثاری متعدد خلق شده‌اند که برخی از آنها نه تنها بر تارک شعر و ادب فارسی خوش درخشیده‌اند؛ بلکه در بهترین و ماندگاترین نمونه‌های مواریت ادبی و فرهنگی بشری نیز ثبت و ضبط شده‌اند که در این میان به دلایل پیچید فرهنگی، اجتماعی و آیینی سهم چندانی برای زنان در نظر گرفته نشده است؛ اما زنان حتی از روزگار دور، در ساحت ادب کلاسیک دست به قلم آلودند و نگاشتند و سرودند و ربودند، زنانی که همواره با دو رنج روبه‌رو بودند، نخست اثبات خود، سپس اثبات اثر!

شعر در میان تمامی صاحبان آثار و قلم با عناصری شناخته می‌شود که در آن میان، عنصر عاطفه نقش و تأثیر شاخص‌تری دارد که شعر از طریق آن از کلام عادی و مرسوم جدا گشته، به سر زلف شعر و ادب پیوند می‌خورد و در عصری که زن دستمایه، انگیزه و محتوای سرودن شعر بوده، این بار خود، ناظم و شاعر شعر خود می‌شود که به سبب برکت این حضور، عاطفه در شعر به اوج خود می‌رسد و لطافت شعر دوچندان می‌گردد؛ اما از چه باید سرود و بر مُلک غزل چه باید افزود؟ آیا باز باید از زلف و خط و خال لب خود گفت؟ یا مضمون تازه‌ای را بر شرنگ شعر ریخت و آن را ماهرانه سر کشید تا تلخی آمیخته با زهر آن هم در کام زن و هم در کام نگاه مخاطبانی که با شک به او و شعرش می‌نگرند، شیرین شود؟

و در این میان، پروین را شاعری زن با شعری مردانه می‌دانند و اینگونه در پاسداشت شعر زنی می‌کوشند که کوشید روشنی شعر زنانه را بر گیسوی عصر معاصر که به شب می‌مانست، سنجاق کند! و مگر چند اثر از زنان شاعر این سرزمین در دست است که بتوان با آن حکم به شعری زنانه یا مردانه داد؟ و در حواشی دیوان کهن و قطور شعر پارسی، مگر چند شعر زنانه را می‌توان یافت که با دستاویزی بر آن، به دو نوع شعر معتقد بود و ایمان داشت؟

اما در زیر این سایه‌های سنگین، سایه‌هایی بودند که رشد کردند و بالیدند و جسمیت یافتند که گرچه گاه یک نفر بودند؛ اما ابهت نامشان را به گواه تاریخ، چهار بار باید خواند، زنی که گرچه مثل پروین تحت تعالیم پدر دست به شعر آلود؛ اما روح زنانه‌اش بر آموزه‌های پدر پیشی گرفت و به سبب همین توسنی، بیشتر غزل‌هایش را در مسلخ عشق سر بریدند، زنی که مادر نشد؛ اما مادر شعر پارسی دری است و در چاه نابردار اسیر که این بار برای نجاتش منیژه‌ها و رودابه‌ها گیسو بر چاه افشاندند، زنی که در نهایت، زشت دید و انگارید خوب!

از مهستی و جهان‌ملک و مستوره که بگذریم به شمس شعر فارسی زنانه می‌رسیم که مولانایش این بار، سرداری از سپاه شعر است، زنی که به حق باید او را مادر شعر فارسی نو دانست؛ شمسی که پس از خود، طلوع پروینی را نوید می‌دهد که بی‌غروب است و زوال... پروینی که بر آسمان تاریک شعر زنانه می‌تابد تا زنان تا ابد خوشه‌چین شعر او باشند، نوری که از خود فروغ‌هایی به یادگار گذاشت که سبب شد تا شعله‌های شعر زنانه دیگر هرگز در این دیار خشک و خاموش نگرند، ققنوس شعری که گرچه خود

دیر نپایید؛ اما در خاکسترش فروغی داشت که پایه‌های این نوع از شعر را رسمیت بخشید و مکرر کرد تا زنانی که پیش از این حرف شعر بودند، خود حرفی برای گفتن داشته باشند و زنانی که پیش‌تر، دیگران از اندامشان می‌سرودند، این بار با افکارشان از خود سرودند و از خود شنیده شدند.

سخن از شعر پروین است، شعری که باید آن را فارغ از زنانه یا مردانه بودن، شعری پروینانه دانست، شعری که فارغ از جنسیت و سبک، شعری آزاد و رهاست و گرچه هم از لحاظ مضمون و هم از منظر قالب، پای بر اصول و قواعد کهن استوار ساخته است و بوی جوی مولیان از آن می‌آید؛ اما با این همه شعری بی‌تکرار و تازه است، شعری محکم که برای شنیدنش می‌توان بی‌افسار و لگام دل به جاده شعر زد، شعری که این بار از قلم زنی شنیده می‌شود که رویاهای زنانه شعر را به حقیقت پیوند می‌زند و ناجی شعر زنانه است.



زنی که خالق مناظرات شیرینی است که احیاگر شعر اخلاق و آزادگی است و این‌گونه، رسالت قلم زنی را به تصویر می‌کشد که به تربیت کودک شعر پرداخته است و مهر مادری را به قهر شعری مردانه پیوند زده است که حاصل این تلفیق، شعری است که گرچه اصالت دارد، اما کودک نوپایی را می‌ماند که از قلم یک زن حیات یافته و بالیده است. شعری که گرچه تحت تعالیم حلقه‌های شعر مردانه سروده شده؛ اما روح زنانه بر آن حاکم است که گویی چون حریری نرم بر سر سخت قصاید کشیده شده است.

شعر زنی صاحب سبک که گرچه کهن می‌سراید؛ اما شعرش بوی کهنگی نمی‌دهد، گویی زنان آن‌گاه که در پی مضمونی نوتر از خود بودند، یا عاشقانه سرودند یا عارفانه؛ اما در این میان، شعر پروین شبیه هیچ زنی نیست که شاید چون پروین، خود شبیه هیچ زن دیگری نبود. پروین با شعر خود نشان داد که شعر زنانه همیشه محکوم به لطافت، خیال و یا نازک‌طبعی نیست؛ بلکه می‌توان استوار و محکم هم شعر سرود و در مضامین پیچیده‌ای چون تعلیم و اخلاق و قوالبی چون قصیده نیز طبع‌آزمایی کرد.

* زهرا عسگری، دانش‌آموخته دکترای زبان و ادب فارسی